

❖ پیش‌گفتار ۱۳

❖ فصل اول: ماهیت ضدبشری آمریکا از منظر امام خمینی (ره) ۱۵

- مقدمه ۱۷
- ۱. آمریکا و جریان استکبار جهانی ۱۸
- ۲. آمریکا به مثابه شیطان بزرگ ۲۳
- ۳. نقض حقوق ملت‌ها و جوامع انسانی از سوی آمریکا ۲۶
- ۴. سلطه اقتصادی آمریکا و تاراج سرمایه ملت‌های مستقل ۲۹
- ۵. نفوذ فرهنگی آمریکا در کشورهای آزاده و مستقل ۳۲
- ۶. پیگیری اهداف استعماری آمریکا از طریق سازمان‌های بین‌المللی ۳۷
- ۷. نقش عملکرد آمریکا در ناامنی جهانی ۳۹

❖ فصل دوم: امام خمینی (ره) و نقد حقوق بشر آمریکایی ۴۳

- مقدمه ۴۵
- ۱. بررسی حقوق بشر به مثابه یک مسئله ۴۶
- ۲. موجزی در باب معنا و مفهوم حقوق بشر ۴۹
- ۳. دیدگاه امام خمینی (ره) در باب حقوق بشر ۵۶
- ۴. حقوق بشر آمریکایی از منظر امام خمینی (ره) ۶۷

- ۵. تهی بودن الفاظ حقوق بشر آمریکایی ۷۰
- ۶. کارتر و حقوق بشر آمریکایی ۸۱
- ۷. حقوق بشر آمریکایی به مثابه حفظ حقوق مستکبران و نه ملت ها ۹۲
- ۸. ابزری بودن حقوق بشر آمریکایی ۹۴
- ۹. اعلامیه جهانی حقوق بشر و پایمال کردن حقوق مستضعفان ۹۹

❖ فصل سوم: حقوق بشر و منافع استعماری آمریکا از منظر امام خمینی (ره) ... ۱۰۵

- مقدمه ۱۰۷
- ۱. حقوق بشر و منافع آمریکا ۱۰۷
- ۲. حقوق بشر آمریکایی و حراست از ابر قدرت ها ۱۱۰
- ۳. ترویج جنایت ها در پوشش حقوق بشر آمریکایی ۱۱۲
- ۴. حقوق بشر آمریکایی و حمایت از رژیم های استبدادی ۱۱۶
- ۵. حقوق بشر آمریکایی و غارت ثروت های ملل ۱۱۸
- ۶. سازمان حقوق بشر و همسویی با سیاست مداران آمریکایی ۱۲۰
- ۷. متحدان آمریکا و سوء استفاده از حقوق بشر ۱۲۶
- ۸. خدمت رسانه های بین المللی به دروغ پردازی حقوق بشر آمریکایی ۱۳۱
- ۸.۱. رسانه های دیداری و شنیداری ۱۳۴
- ۸.۲. مطبوعات و جراید ۱۳۹
- ۹. سرافکندگی مدعیان حقوق بشر آمریکایی در امتحان الهی ۱۴۱

❖ فصل چهارم: حقوق بشر آمریکایی و جامعه ایرانی از منظر امام خمینی (ره) ... ۱۴۵

- مقدمه ۱۴۷
- ۱. رویکرد متناقض حقوق بشر آمریکایی در قبال جامعه ایران ۱۴۸
- ۲. حقوق بشر آمریکایی و حمایت از رژیم ضد بشر پهلوی ۱۵۱
- ۳. حقوق بشر آمریکایی و محکوم نکردن کشتار پانزدهم خرداد ۱۵۸

- ۴. حقوق بشر آمریکایی و بی‌توجهی به نقض حق آزادی از سوی رژیم پهلوی ... ۱۶۱
- ۵. حقوق بشر آمریکایی و رشد فساد اخلاقی در جامعه ایرانی ۱۶۲
- ۶. حقوق بشر آمریکایی و تبلیغات علیه مجازات خائنان به ملت ایران ۱۶۵
- ۷. حقوق بشر آمریکایی و فشار نظامی علیه نهضت اسلامی مردم ایران ۱۷۳
- ۸. حقوق بشر آمریکایی و تاراج سرمایه‌های ملی ایران ۱۷۴
- ۹. حقوق بشر آمریکایی و مداخله در حق تعیین سرنوشت ملت ایران ۱۷۷
- ۱۰. حقوق بشر آمریکایی و جاسوسی علیه ایران ۱۸۰
- ۱۱. حقوق بشر آمریکایی و سکوت در برابر ترور متفکران انقلاب اسلامی ۱۸۶
- ۱۲. حقوق بشر آمریکایی و حمایت از رژیم بعثی عراق در جنگ تحمیلی ۱۸۹
- ۱۳. مجامع و سازمان‌های حقوق بشر آمریکایی و تلاش برای براندازی ایران ... ۱۹۶
- ۱۴. تقابل حقوق بشر آمریکایی با «حکومت عدل جهانی» ۲۰۳

نتیجه‌گیری ۲۱۱

فهرست منابع ۲۱۵

فرهنگ، فرهنگ استعماری و انگلی است. این فرهنگ از همه چیزها، حق از این اسلحه این قلدرها بدتر است. این قلدرها اسلحه شان بعد از چند وقت می شکند و حالا هم شکسته، اما وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان های ما که زیربنای تأسیس همه چیز هستند، از دست ما می روند و انگل بار می آیند، غرب زده بار می آیند. اینها را از همان اول، از همان کلاس های اول، توی ذهن هایشان می مطالبی می کنند تا برسند به آن بالا. اگر فرهنگ، فرهنگ صحیح باشد جوان های ما صحیح بار می آیند. اگر فرهنگ، فرهنگ حق باشد، فرهنگ الهی باشد، فرهنگی باشد که برای منفعت اهل ملت، برای منفعت مسلمین باشد.^۱

ایشان در جایی دیگر اشاره می کنند که فعالیت فرهنگی آمریکا و سایر کشورهای غربی می تواند فرهنگ مستقل کشورها را دچار استحاله نماید و این دگردیسی فرهنگی از طریق جریانات نفوذ فرهنگی در سطح فردی و گروهی می تواند منجر به وابستگی فرهنگی و معنوی به ابرقدرت ها شود:

این محتاج به یک طول مدتی است که فرهنگ، یک فرهنگ مستقل، نه یک فرهنگ استعماری که آنها برای ما دیکته کردند. آنها برای ما دیکته کردند. فرهنگ ما را طوری کردند که ما همه چیزمان الآن عوض شده، غربی شده، وقتی هم حرف می زنیم حرفمان غربی است. وقتی اسم خیابان می گذاریم، اسم خیابان های غرب را می گذاریم؛... تعارف هایمان هم با هم تعارف غربی است. آداب و معاشرتمان هم با هم معاشرت غربی است. همه چیز. ما یک وابستگی روحی پیدا کردیم. این وابستگی روحی از همه چیزها برای ما بدتر است.^۲

در وصیت نامه الهی سیاسی امام خمینی (ره) به شیوه های نفوذ آمریکا و غرب اشاره شده است و برای همگان تبیین شده که برای نفوذ فرهنگی، دشمنان اسلام از طریق

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۶.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۵.

تحقق حقوق بشر در حکومت اسلامی مبتنی بر عقاید دینی با ارزش، نظیر مسئولیت‌پذیری، اتکا به پروردگار و توحید، کنترل و نظارت درونی افراد و باور به معاد است:

حکومتی می‌تواند ادعا بکند حقوق بشر را حفظ می‌کند که دولتش مبتنی بر یک عقاید الهی دینی باشد و خودش را مسئول پیش یک قدرت بزرگ بداند. آن اشخاصی که خودشان را مسئول نمی‌دانند پیش یک قدرتی، قائل نیستند به یک قدرت بزرگی، توجه ندارند به یک قدرت عظیمی، به یک مسئولیت واقعی، اینها هرچه ادعا بکنند که ما بشرنوست هستیم و ما می‌خواهیم حقوق بشر حفظ بشود و ما می‌خواهیم، ادعاست؛ هیچ واقعیت ندارد. تا آن نقطه اصلی که نقطه اتکاست، خدا نباشد و خوف از او نباشد و خوف از مسئولیت روز جزا نباشد، این بشر هرج و مرج می‌کند، به تباهی می‌کشد. طبع انسان این است که از همین کارهای خلاف بکند؛ طبیعی است. اگر سر خود باشد، متعدی است. آنی که انسان را به راه می‌آورد و کنترل می‌کند و راهش را معین می‌کند، آن دیانت است که می‌تواند کنترل کند. آن اعتقاد به یک مبدأ و یک معاد است که می‌تواند انسان را بازدارد از اینکه در خلوت هم که هیچ‌کس نباشد، خلاف نکند.^۱

ایشان در جایی دیگر از لزوم برپایی حکومت اسلامی در تحقق حقوق بشر اذعان می‌کنند و رژیم‌های سلطنتی و پادشاهی را برای تحقق حقوق انسانی مناسب نمی‌دانند: «رژیم سلطنتی خلاف قانون اساسی است، خلاف حقوق بشر است؛ لهذا نباید باشد. رژیم سلطنتی فاسد است همه‌اش. حالا فرضاً که خیلی عادل هم باشد، لکن خلاف حقوق بشر است. وضع مملکت ما تا حالا یک چیز مخلوط درهمی است که معلوم نیست اسمش چیست. اصلاً معلوم نیست اسم این چه است. ما مملکت را مشروطه اسمش را بگذاریم، مشروطه که این نیست، دیکتاتوری است».^۲

۱. صحیفه امام، ص ۴۰۲.

۲. همان، ج ۶، ص ۳۲.

ملاحظه کنید چیزهایی که در غرب است، چیزهای خوبی که در غرب است، ملاحظه کنید جمعیت حقوق بشر که در غرب است، ببینید چه اشخاصی هستند و چه مقاصدی دارند. اینها حقوق بشر را می‌خواهند ملاحظه کنند یا حقوق ابرقدرت‌ها را؟ اینها دنبال ابرقدرت‌ها هستند و حقوق ابرقدرت‌ها را می‌خواهند تأمین کنند.

شما ای حقوق‌دان‌های ما! ای جمعیت حقوق بشر! دنباله این حقوق‌دان‌ها نروید. شما مثل این قشر، این قشر زحمتکش، حقوق را اجرا کنید. اینها جمعیت حقوق بشر هستند. اینها برای حقوق بشر زحمت می‌کشند. اینها تأمین آسایش بشر را می‌کنند. شما صحبت می‌کنید، اینها عمل می‌کنند. این کارگرا، این دهقان‌ها، اینها جمعیت حقوق بشر و حقوق‌دان هستند. اینها عمل می‌کنند و شما می‌نویسید. هیچ‌یک از شما در راه رسیدن بشر به حقوق خودش فعالیت ندارد. آن‌که فعالیت دارد، همین جمعیتی هستند که امروز قیام کرده و ۱۵ خرداد قیام کرد. اینها برای بشر دل‌سوزند؛ برای اینکه مشلم‌اند. اینها مشلم‌اند. اسلام برای بشر دل‌سوز است. شما که مسیرتان غیراسلام است، برای بشر هیچ کاری نمی‌کنید؛ می‌نویسید و می‌خواهید نهضت را منحرف کنید؛ می‌گویید تا نهضت را منحرف کنید.^۱

علاوه بر نقدهای عملکرد آمریکا و مجامع حقوق بشری دربارهٔ جامعهٔ جهانی در عالم روابط بین دولت‌ملت‌ها از سوی امام خمینی رحمه‌الله، ایشان نقدهایی در باب ماهیت ایده‌پردازی حقوق بشر غربی دارند و معتقدند جامعهٔ غربی درک صحیحی از انسان ندارد و به دلیل انحراف متفکران غربی از ماهیت و ذات انسان‌ها، نگرش آنها به حقوق انسانی، ابرزی و سطحی است و مبتنی بر رابطهٔ سود و منفعت طراحی و تنظیم شده است. درحالی‌که براساس آیات و روایات، همهٔ انسان‌ها دارای کرامت و حقوق تعریف‌شده‌ای هستند که دولت‌ها حق تعرض به آنها را ندارند.

۱. مثال‌های زیبای قرآن، ج ۸، ص ۵۶.

در جهان، سقوط دیکتاتوری‌های عالم را تسهیل نمایند.^۱ در عین حال، رفتار کارتر دقیقاً منطبق با شعارهای حقوق بشری وی نبود و این رفتار ضد حقوق بشری کارتر از دیدگاه امام خمینی ره، به ضرر منافع ملت آمریکا بوده است.^۲ رفتار متناقض کارتر در زمینه حقوق بشر در سیاست جهانی و به ویژه تاریخ ایران، منجر به نگرش انتقادی امام خمینی ره به این سیاست یک‌جانبه در قبال ملت‌های جهان - در زمینه مسائل حقوق بشری - شد تا جایی که ایشان با بدبینی کامل به حقوق بشر آمریکایی و سیاست‌های کارتر که منطبق با داده‌های صحیح بوده است، اذعان داشتند:

آیا آمریکا واقعاً مدافع حقوق بشر است؟ یا این شعاری است که برای انتخاب شدن برای رئیس جمهوری آمریکا مطرح کرده است؟ یا شعاری است علیه چند زندانی شوروی؟ آیا او مدافع حقوق بشر است و حال آنکه در ایران شاه دست‌نشانده خائن او حمام خون به راه انداخته است و او شاه را پشتیبانی می‌کند؟ آیا کشتار بی‌حد و حصر شاه را در سراسر ایران نمی‌بیند و نمی‌داند؟ لابد آقای کارتر پشتیبانی از این جنایت‌کاران تاریخ که روی جلادان تاریخ را سفید کرده است، دفاع از حقوق بشر می‌داند.

کارتر چندی پیش گفت که منافع آمریکا بر حقوق بشر مقدم است. ما که می‌گوییم این خون‌ریزی‌ها نباشد و شاه برود تا مردم سرنوشت خویش را به دست بگیرند، حمام خون درست کرده‌ایم؟ قضاوت آن با مردم جهان است. آیا وقت آن نرسیده است تا کارتر دست از حمایت شاه بکشد و بیش از این دستش را به خون مردم بی‌گناه و بی‌پناه ایران آلوده ن سازد؟ من هیچ‌گونه رابطه‌ای با آقای کارتر ندارم و اصولاً با هیچ رئیس‌جمهور یا رئیس دولتی رابطه ندارم.

من از مردم آمریکا می‌خواهم که هرچه زودتر به نفع مردم مظلوم

۱. عمید زنجانی، عباس علی، *انقلاب اسلامی ایران (علل، مسائل و نظام سیاسی)*، ص ۲۰۰.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۸۸.